

بررسی بایسته‌های امر به معروف و نهی از منکر در فضای حقیقی و مجازی*

□ محمد حسین پژوهنده^۱

چکیده

امر به معروف و نهی از منکر دو باب مهم از فروع دین هستند که نسبت به سایر فروع از التفات کم‌تری برخوردارند و علت آن به نظر نگارنده این متن مسائل کلیدی فراموش شده‌ای است همچون ابهام در موقعیت و ماهیت آن دو؛ همچنین شرایط خاص و متفاوت بسیاری که این دو را از جمله عناوین تخصصی پرگستره قرار داده است، به گونه‌ای که هر کس با اندک بضاعت علمی نمی‌تواند اقدام به انجام این دو فریضه نماید.

نگارنده در بخش اول بر این مدعا است که این دو فریضه از ماهیت‌های مختلف و متعددی برخوردارند. مواردی ماهیت جهادی دارند، شماری داخل در باب نقد و انتقاد هستند، پاره‌ای هم از جنس دعوت به خیر و نصیحت محسوب می‌شوند، و همه این‌ها سواى نوع فرهنگی معروف و منکر هستند. همچنین ارائه راهبردهایی برای خروج از آنچه که موجب مهجوریت این دو گردیده، عنوان «فریضه فراموش شده» را به آنها بخشیده است. وی سپس در بخش دوم به گونه‌ای دیگر از معروف و منکر در فضای مجازی

می‌پردازد و پرده از رازهای نهفته آن برمی‌دارد.
 نوع پژوهش در بحث حاضر بنیادی - راهبردی است، و سبک آن توصیفی،
 با شیوه اسنادی کتابخانه‌ای/آرشیوی می‌باشد.
 واژگان کلیدی: فریضه، امر به معروف، نهی از منکر، نقد سازنده، هنجار و
 ناهنجار فرهنگی، ارزش‌های دینی.

پیش‌تلاش: نگاهی به کاربرد قرآنی امر، معروف، نهی و منکر

نظر به این که عنوان‌های یاد شده دارای حوزه معنارسانی وسیعی هستند و در
 برداشت از مبانی روایی، گاهی ممکن است با هم اشتباه گردند، توجه به موارد
 کاربرد هر کدام در جایگاه خاص خود که در کتاب خدا به کار رفته است به
 افزایش بینش برداشت‌کننده کمک می‌نماید. از این روی، نگاه به کاربرد
 واژگان ضرورت می‌یابد.

امر - نهی

کلمه امر به جز مفهوم طلب مؤکد، در معنای مراقبت و واداشتن نیز به کار رفته
 است:

﴿يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلٰى مَا أَصَابَكَ﴾
 (لقمان/۱۷)؛ فرزندم! نماز را بپا دار و به خوبی وادار کن و از ناشایست بازدار و
 بر آنچه به تو رسد شکیبا باش.

نهی نیز به جز در مفهوم طلب ترک مؤکد، به معنای ممانعت، و نیز بازداشتن
 آمده است:

﴿وَ هُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَ يَنْتَوْنَ عَنْهُ وَ إِنْ يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَ مَا يَشْعُرُونَ﴾
 (انعام/۲۶)؛ آنان از آن باز می‌دارند و خود را کنار می‌کشند از آن، ولی جز
 خودشان را هلاک نمی‌کنند، اما نمی‌فهمند.

﴿وَ أَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوٰى﴾ (نازعات/۴۰)؛ آن کس
 که از موقعیت پروردگارش بترسد و نفس را از هوس بازدارد.

﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ (عنکبوت/۴۵)؛ همانا نماز از ارتکاب فحشا و ناشایست بازمی‌دارد.

(۷۱)

معروف - منکر

معروف در معانی: موجه، شناخته، خوبی، ارزش‌های جامعه دینی؛ خوشایند (عَرَفَ = بوی خوش)، مایه بخشش، عوامل بالندگی و رشد فرد و جامعه به کار برده می‌شود (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ص ۲۳۹ و طریحی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۹۴).

کلمه معروف در معنای زیر در قرآن استعمال شده است:

کار خیر: ﴿خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾^۲ (اعراف/۱۹۹)؛ دامن عفو را بگیر و به خوبی وادار و از نادانان رو بگردان.

نیکو، پسندیده: ﴿وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾ (نساء/۵، ۸ و بقره/۲۳۵)؛ ﴿وَقُلْنَا قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾ (احزاب/۳۲)؛ گفته نکو دارید.

بخشش مال: ﴿إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا﴾^۳ (احزاب/۶)؛ مگر این که به اولیاءتان بخشش مالی کنید.

کلمه منکر نیز در معانی: ناشناخته، ناپسند/زشت، ناخوش، ناهنجاری‌های اجتماعی، آسیب‌ها و آفت‌های رشد فرد و جامعه کاربرد دارد (طریحی، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۵۰۶ و خلیل ابن احمد، ج ۵، ص ۳۵۵ و ابن منظور، ج ۵، ص ۲۳۳)، و در قرآن در این معنا آمده است:

ناخوشایند: ﴿إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ﴾ (لقمان/۱۹)؛ همانا زشت‌ترین صداها صدای الاغ است. ﴿وَإِذَا تَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ﴾ (حج/۷۲)؛ آن هنگام که آیات ما بر آنان خوانده شود اثر ناخوشایندی در چهره آنها می‌بینی.

زشت: ﴿وَتَأْتُونَ فِي نَادِيكُمُ الْمُنْكَرَ﴾ (عنکبوت/۲۹).

ناشناخته: ﴿وَجَاءَ إِخْوَةَ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ﴾

(یوسف/۵۸)؛ برادران یوسف بر او وارد شدند، او آنها را شناخت ولی آنها او را نمی‌شناختند. ﴿قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ﴾ (حجر/۶۳)؛ به راستی که شما گروهی ناشناسید.

انکار و نکول: ﴿وَ هَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَ فَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ﴾ (انبیاء/۵۰)؛ و این (قرآن)، یاد مبارکی است که نازلش کردیم پس آیا شما آن را انکار (نکول) دارید؟

نابهنجار: ﴿فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَىٰ شَيْءٍ نُّكْرٍ﴾^۴ (قمر/۶)؛ از آنان روی برتاب، روزی که دعوت کننده به امری نابهنجار بخواند.

یادداشت و توضیح: نظر به این که گستره بحث و تفاوت ماهوی بخش‌های آن (حکم، موضوع، مکلفان و مصادیق) بر کسی پوشیده نیست، امکان ورود تفصیلی به عرصه کامل بحث میسر نبود. لذا چنان که از عنوان مقاله نیز پیداست در این فرصت به ذکر بایسته‌های مغفول عنه این مبحث پرداخته شده، که در سه بخش اشاراتی به اهم آنها خواهیم داشت.

نتیجه

عنایت به وجود احکام خمس در فقه اسلامی، ما را متوجه مسأله‌ای می‌سازد که بخش عمده‌ای را در اصول فقه، به عنوان مبحث الفاظ به خود اختصاص داده است، زیرا تا نوع دلالت یک کلمه مشخص نشود پی به حقیقت معنای آن نمی‌توان برد. لذا در آن جا روی این مسأله بحث می‌شود که برای مثال صیغه افعال، یعنی کلمه‌ای که از آن امر استشمام می‌شود، آیا دلالت بر طلب مؤکد یعنی وجوب دارد یا بر ندب و یا بر اباحه؟ همچنین کلمه‌ای که در متن شارع آمده است، حقیقت در چه معنایی است؟ برای مثال معنای حقیقی معروف چیست؟ علت رویکرد علمای اصول فقه به این مباحث، وجود دلالت‌های گونه‌گونی است که در نصوص و متون دینی کاربرد یافته‌اند.

بخش اول: مباحث کلیدی

(۷۲)

۱.۱. لزوم التفات جدی به جغرافیای موضوع

ورود از این زاویه به خاطر پرده‌برداری از ابهاماتی است که در اثر توسعه دامنه معنارسانی این دو عنوان وجود دارد و لذا در چند فراز، کاوش ضرورت می‌یابد، همچون:

- سؤال از ماهیت هر فعلی به لحاظ تشخیص معروف و منکر.
- تعارض معروف و منکر: در جایی که دو موضوع با هم متضاد هستند و متقابل و روبرو قرار بگیرند، چنان که تأیید هر کدام به تضعیف دیگری منجر شود، مثل حجاب و بی‌حجابی؛ و یا مستقل از دیگری باشند، مثل حجاب و بی‌نمازی.

- ریشه‌شناسی عمل: گاهی ریشه معروف و منکر در جای دیگری است، مثل وجود عدالت برای گسترش معروف‌ها و محو منکرها. یا مثل توسعه و توفیر در معیشت، به همین نحو.

- کیفیت برخورد: شک نداریم که معروف هر اندازه باشد و منکر هم هر اندازه باشد نباید با آن برخورد اهمال‌گرانه نمود و آن را به خاطر کوچک بودن آن حقیر شمرد، لذا عاقلانه‌تر آن است که آنها را پس از شناسایی درجه‌بندی نمائیم و سپس برخورد با آنها را اولویت‌بندی کنیم.

- برخی معروف‌ها و یا منکرها از ریشه تکثیر می‌شوند و لذا برخورد با تک نمودها همچون زدن سرشاخه‌هاست، یعنی کاری در ارتباط با محوشان نمی‌کند.

این قبیل منکرها مانند قارچ هستند و یا مثل محیط با تلاق و مرداب برای رشد پشه مالاریا که تا وجود دارد، مبارزه با تک نمودهای پشه بی‌فایده و موجب اتلاف نیرو و انرژی است. معروف‌ها هم همین‌طورند، برخی مصدرند و از آنها فضای وسیعی با گونه‌های مختلف مشتقات تولید می‌شود. این دو نمونه پس از

شناسایی در رأس همهٔ امورند.

توضیح: در این نوشتار قصد تعرض به بحث در محورهای یاد شده نداریم و غرض شناسایی میدان عمومی بحث و تشخیص صورت‌های مسأله، به منظور تمرکز و سازمان‌دهی بحث است. لذا به سرعت از آن می‌گذریم و به محورهای دیگر می‌پردازیم.

۲.۱. اهمیت موضوع و موقعیت آن

دربارهٔ میزان اهمیت این دو فریضه توجه به دو قسمتی بودن آن، بخش عمده‌ای از ضرورت آن را تأمین می‌نماید. توجیه مطلب این است که همان‌طور که در مورد حفظ سلامت بدن به دو محور پیش‌گیری و درمان پرداخته می‌شود، حفظ سلامت جامعه نیز به این دو محور نیاز دارد که اولی موجب بی‌نیازی نسبت به دومی است، یعنی وقتی در جهت غنی‌سازی جامعه از نیرو و انرژی بالنده به وسیلهٔ امر به معروف، کوشش به عمل آمده باشد، نیاز به گسیل داشتن نیرو و انرژی دفاعی برای خنثی‌سازی اثرات مخرب منکرات نخواهد بود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ارتباط با استلزام موجود میان این دو متغیر فرموده است: «التأمرن بالمعروف و لتنهن عن المنکر و إلا تولى علیکم شرارکم و یدعو خیارکم فلا یتستجاب لهم» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۱۰۷)؛ البته به معروف وادارید و از منکر بازدارید و گرنه اشرارتان بر شما حکومت خواهند یافت. آن‌گاه نیکان شما هر چه دعا کنند مستجاب نخواهد شد.

راز نهفته در این مطلب، توجه به نقش و میزان اثرگذاری عناصر پالایش و پیرایش جامعه در قیاس با پادتن، پادزهر و گلبول‌های سفید دفاعی بدن است که اگر ضعیف باشند عفونت، ویروس و میکروب غالب می‌شود و سلامت انسان را تهدید می‌کند و چنانچه تداوم داشته باشند و حساسیتی نسبت به ورود و حضور آنها نباشد، امکان مقابله با آن در نهایت به صفر می‌رسد. بر این اساس

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در ارتباط با مواجهه با فتنه‌های اجتماعی در نامه‌ای به اهل مصر می‌گوید: «و من نام لم ینم عنه» (امام علی علیه السلام، ۱۳۹۵ق، نامه ۶۲)، کنایه از این که تو بی تفاوت باشی عوامل شر، بی تفاوت نمی‌نشینند.

و اما در نگاه دوم یعنی در ارتباط با موقعیت دینی این دو فریضه، بحث ما دامنه گسترده تری را می‌طلبد؛ یعنی بستگی به ماهیت‌شان دارد که از چه مقوله باشند؛ جهاد؟ نقد و انتقاد؟ یا دعوت به خیر و نصیحت یکدیگر. بنابراین این بحث در چند محور انجام می‌گیرد:

۲.۱. محور الف - ماهیت جهادی داشتن

بسیاری از فقها و محدثین این دو فریضه را بابتی از کتاب *الجهاد* آورده‌اند و در رساله عملیه بعضی نیز مانند امام خمینی رحمته الله علیه در ضمن جهاد متعرض آن شده‌اند. بر این اساس حکم وجوبی می‌یابند مگر این که به علت عذر عدم تمکن یا عدم تأثیر و مانند آن صرف به حکم دیگری باشد.

۲.۱. محور ب - ماهیت نقد و انتقاد سازنده داشتن

این محور نیز در حوزه عملکردی این دو، بخش عمده‌ای از دیدگاه‌هاست. چنان که از دیدگاه شهید بهشتی رحمته الله علیه نقد و انتقاد بر مبنای امر به معروف و نهی از منکر تعریف می‌شود (واحد فرهنگی، ۱۳۶۱، ص ۲۶۲). البته این بدان معنا نیست که امر به معروف و نهی از منکر با نقد و انتقاد مترادفند.

به عبارت روشن‌تر باید گفت امر به معروف و نهی از منکر نیز در یک تعریف از نقد و انتقاد (چنان که یکی از صاحب نظران در این رابطه تبیین نموده است) بخشی از دامنه نقد شمرده می‌شوند. وی می‌گوید:

«در مواردی انسان به خطا چیزی را می‌فهمد و دیگری آن خطا یا ضعف در برهان را متوجه می‌شود و بدین سان انتقاد، سبب می‌شود حتی کسی که مورد انتقاد قرار گرفته، نظرش دقیق‌تر شود. بنابراین، یک‌گونه از انتقاد آن است که

موضوعش فهم بخشی از واقعیت است، که آن را انتقاد علمی می‌نامیم و علی‌الاصول حوزه مورد علاقه‌اش نیز مجامع علمی است.

نوع دیگری از انتقاد مربوط به عملکرد فرد است، برای مثال در جایی مدیری منصوب می‌شود و مسؤولیت‌هایی دارد و مبتنی بر تشخیص خودش، اعمالی را انجام می‌دهد. به طور طبیعی این جا انتقاد می‌تواند جایز باشد، از باب این که آیا روش‌هایی که فرد انتخاب کرده، به هدف می‌انجامد یا خیر؟ یا ممکن است آن مدیر خطا کند و خلاف مقررات عمل نماید. در این صورت، انتقاد از این است که چرا آن خطا را کرد. این نوع دوم از انتقاد از باب امر به معروف و نهی از منکر است (ر.ک: لاریجانی، ۱۳۷۸).

با رویکرد به این دیدگاه، نقد را در دو حوزه نظری و عملی کارآمد می‌یابیم: نقد نظری همان انتقاد علمی است که توسط دانشمندان و اهل نظر بر نوشتار دیگران انجام می‌شود؛ اما نقد عملی ناظر به امر به معروف و نهی از منکر است که در چند صورت قابل اشاره است:

۱. نقد عمل افراد، از باب نصیحت و دعوت به خیر و ردع شر؛
۲. نقد عملکرد مدیران، با الگوگیری از قیام امام حسین ع آن جا که در بیان علت قیام خود می‌فرماید:

«أَتَى لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ
الإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ
بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع...» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۴،
ص ۳۲۹)؛ من فقط برای ایجاد اصلاح در امت جدم در قالب امر به معروف و نهی
از منکر و به شیوه نیایم، پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و پدرم علی ع قیام کرده‌ام.

همچنین امام حسین ع از قول پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل نموده که فرمود: «من رأی
سلطاناً جائراً مستحلاً لحرم الله ناکثاً لعهد الله مخالفاً لسنة رسول الله يعمل فی عباد
الله بالاثم و العدوان ثم لم یغیر بقول و لا فعل کان حقیقاً علی الله ان یدخله

مدخله...» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۴، ص ۳۸۱). در این حدیث پیامبر ﷺ هر گونه اهمال و تساهل در برابر سلطان جائز را حرام و مستوجب عقوبت الهی دانسته است.

علاوه بر این، از باب «النصيحة لأئمة المسلمين» در بیان رسول اکرم ﷺ تصریح به وجوب آن شده است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۰۳).
با این رویکرد نقد عملکرد مدیران امری و رای حق، یعنی تکلیف است و سایر موارد امر به معروف و نهی از منکر تابع احکام خمسه‌اند، همچون جایی که منکر امر فردی است و زیان آن متوجه خود شخص می‌شود، اما کم اهمیت است که به طور طبیعی حکم آن مباح، مستحب و مستحب مؤکد می‌باشد؛ اما جایی که زیان آن سنگین و متوجه جامعه باشد آن جا حکمش حرمت است و نهی آن واجب و لزوم رعایت مراتب نیز در همین جاست.

۳. مباشرت حکومت در امر به معروف و نهی از منکر نسبت به قانون شکنان، هنجار شکنان و متعرضین به امنیت، شاخه حکومتی این دو فریضه است.

۲.۱. محور ج - ماهیت ارشادی داشتن

دعوت به خیر و نصیحت و ارشاد یکدیگر نیز موقعیتی است که امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند در ضمن آن معنادار باشد، زیرا این دو فریضه در آیه شریفه: ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران/۱۰۴)، تالی تلو / عدل / قسیم و نیز عطف بیان، دعوت به خیر قرار گرفته‌اند. چنان که قطب‌الدین راوندی در کتاب *فقه القرآن* توضیح داده، این ترتیب در آیه ذکر خاص بعد از عام است، مثل آن جا که گفته است: ﴿حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى﴾ (راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۵۹).

توضیح و یادآوری: آنچه از آن سخن گفته شد، نه تمام محتوای این نوشتار

است، که این مختصر را مجال آن نیست و حوصله دیگری را می‌طلبد، بلکه نویسندگان در این نوشتار در پی تبیین راهبردهایی است که این دو فریضه مهم دینی را از بن بست اجرا خارج می‌سازد.

نکات مندرج در این مقاله علمی، اغلب حاصل تجارب تبلیغی، مدیریت و مردم‌داری نگارنده می‌باشد که به عنوان راهبردی برای مجریان رسمی و تعریف شده فراهم آمده است، هر چند تذکر این مطلب نیز لازم است که همه آنچه بدان نیاز است نمی‌باشد و تنها اشاره‌ای به اهم آنهاست که در سه بخش اساسی ارائه گردیده است:

۳.۱. شناخت معروف و منکر به لحاظ تأثیر

معروف یا منکر همچون هر فعل دیگری از نظر اثرگذاری متفاوت‌اند. علاوه بر اثر وضعی و طبیعی خود، تأثیر اجتماعی و به عبارتی غیردینی دارند. با این توصیف برخورد با آن نیز متفاوت می‌شود. بنابر این، منکر باید مورد مطالعه قرار گیرد که آیا بازتاب شخصی دارد یا غیردینی؟ شدید است یا خفیف؟ آنی است یا زمان دار؟ مورد اول که اغلب، مسائلی هستند در ارتباط شخصی انسان با خدا، برخورد با آن فقط ارشادی و به صورت نصیحت است: در حالی که مورد دوم که بیشتر در ارتباط انسان با جامعه می‌باشد، به طور معمول در سلسله مراتب قرار می‌گیرد، به خصوص اگر دارای بازتاب شدید و آنی باشد که در این صورت به برخورد قهری نیز نیازمند است. برای مثال کسی که می‌خواهد بمبی در میان جمعیت منفجر کند، یا آب شرب مردم را مسموم کند و...

معروف هم دارای مراتب و گونه‌هایی از نظر ضرورت یا عادی بودن؛ همچنین نیاز جامعه و میزان نیاز به آن است. اگر تأثیر آن فقط مرتبط با فاعل آن است، فقط از موضع ارشاد و نصیحت باید برخورد نمود و اگر مرتبط با نیاز شدید جامعه باشد و اقدام به آن منحصر در همان فرد یا معدود افراد معین باشد، امر به این معروف نه فقط ارشادی است که در صورت استنکاف، از موضع قهر و

قدرت هم باید وارد شد.

با نگرش به این تفاوت‌هاست که این دو مسأله در مدار احکام خمسه قرار می‌گیرند: واجب، مستحب، مباح، مکروه و حرام. البته موارد حرام، مکروه و مباح در صورت شخصی بودن برد تأثیر آنها، از سویی و مترتب بودن تالی فاسدی بر امر و نهی است که نوع و اندازه آن به تشخیص عامل بستگی دارد. با این توضیح، زمانی که ملاحظه شد فعلی یا ترکی از مصلحت بالایی برخوردار است، نوع برخورد و شیوه آن، شکل امر و جویی و نهی حرمتی (واداشتن و بازداشتن) به خود می‌گیرد که طبعاً همراه با اعمال قدرت است و گرنه باید به کم‌ترین مراتب اکتفا شود.

معروف‌ها گاهی در دایره فرهنگ خاصی مقبولیت دارند و گاهی در پهنه وسیع یک تمدن بزرگ و حتی جهانی. همچنین گاهی معروفی فقط در عرف به خصوصی هست و گاهی هم در همه عرف‌ها یا اکثرشان. آنچه دین از ما می‌خواهد معروف‌های دینی است، لیکن نسبت به معروف‌های فرهنگ قومی توصیه می‌کند که به آن احترام بگذارند و ترک آن را تحت عنوان خلاف مروت نامیده است که عدالت شخص را لکه‌دار می‌سازد. منکرها هم همین طور هستند.

التفات به ترسیمی که ارائه گردید، این واقعیت را همچون یک تکلیف فراروی مباحثان قرار می‌دهد که آنان باید از میزان قدرت تشخیص بالایی برخوردار باشند. علاوه بر آن دارای ملکه عدالت باشند تا بیش از اندازه لازم اعمال قدرت نکنند، یعنی مجهز به دو بال علم و عدل باشند (در بند زیر توضیح داده می‌شود).

۴.۱. ضرورت اتخاذ شیوه برخورد کارشناسی

انسان از جایی که قبل از هر چیز یک موجود طبیعی است، مسائل او هم، مانند مسائل طبیعت است. برای تکثیر معروف باید زمینه‌های روانی مردم را آماده

ساخت؛ یعنی قبل از افشاندن بذر عرف و معروف، آن را باید قابلیت داد؛ پس از این عملیات، منکرها خود به خود زایل خواهند شد زیرا زمینه برای ماندن و رشد و تکثیر ندارند (فرض این مورد، مثال بدن و میکروب است).

معروف و منکر همچون همه پدیده‌ها فرایندگری دارد؛ بدین صورت که آن چیزی که پدید می‌آید، درست همان چیز یا چیزهایی نیست که آن پدیده از ترکیب آنها حاصل گشته است. مقوماتی به عنوان عامل یا شرط در فراهم آمدن معروف یا منکر دخیلند که اغلب از نظر ماهیتی با محصول خود تفاوت دارند. برای مثال محبت زیاده از حد به فرزند او را لوس و از خود راضی بار می‌آورد، او به توصیه‌های والدین اعتنا نمی‌کند و در آینده نیز به طور معمول فرزندی عاصی و سرخود و ولگرد می‌شود و از تمام قیود دینی و اجتماعی سرباز می‌زند. این منکر عین همان مقوم اولیه‌اش که محبت بود، نمی‌باشد (مثال دیگر، بلوکه شدن سرمایه در نزد معدود افراد است که نشر فساد اخلاق عمومی را نتیجه می‌دهد).

در مقابل، برخورد با هر کدام، اگر جنبه تحکمی داشته باشد - چه مبارزه با منکر و چه فرمان به معروف دادن - با عکس‌العمل مواجه می‌شود، زیرا اول این که برای افراد توجیه نشده‌اند، و دوم این که با حس لجاجت کور آدم‌ها رو به رو می‌شوند و نسنجیده مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند. لذا آگاهی مبشران - به خصوص، طراحان و برنامه‌ریزان اجرا - به دانش روان‌شناسی اجتماعی پس از آگاهی به علم جامعه‌شناسی - به خصوص، مسائل مربوط به فرهنگ - در اتخاذ شیوه بسیار لازم است. آشنایی با فقه و معارف دینی فقط برای شناسایی بنه‌ها و ماده‌های خیر و شر (با صرف نظر از قالب‌ها، شکل‌ها و گونه تظاهرشان) کارساز است.

از این روی، می‌بینیم امام صادق علیه السلام با دید بسیار دقیقی به این مسأله نگریده، می‌فرماید: ثعلبه اسدی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از این آیه سؤال کرد: ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ ﴿۱﴾، پیامبر ﷺ در جواب او این آیه را قرائت نمود: ﴿وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ﴾. سپس ادامه داد: تا آن جا که وقتی حرص بر تو غلبه نماید و دچار هوس غالی گشتی که هر بیننده‌ای را به خود مجذوب می‌کند، مواظب خودت باش، و به دیگران کار نداشته باش! که مباشر امر به معروف باید نسبت به حلال و حرام آگاهی داشته، از خصوصیت‌های نفس خود آسوده باشد که آنچه به آن امر یا از آن نهی می‌کند، جنبه نفع شخصی نداشته باشد، خیرخواه مردم و با آنان مهربان و با مدارا باشد، به نرمی و بیان زیبا آنان را دعوت به کار شایسته کند و تفاوت‌های اخلاقی‌شان را مد نظر داشته باشد تا هر کس را در جای خودش قرار دهد. نسبت به نیرنگ‌بازی نفس و حقه‌های شیطان دارای بصیرت بوده، تحمل پیامدهای آن را داشته باشد. قصد تلافی جویی نداشته باشد، هرگز لب به گلایه نگشاید، تعصب در کارها به خرج ندهد و تحت تأثیر مسائل شخصی به غیظ در نیاید. نیت را خالص برای خدا کند، از او کمک بخواهد و تنها توجه الهی را بجوید. با این حال اگر با او مخالفت ورزیدند و او را مورد بی‌مهری قرار دادند، شکیبایی نماید، و اگر با او همراهی کردند و از او پذیرفتند خدا را سپاس گوید و کار خود را به خدا واگذار کرده به اشکال کار خود توجه نماید (امام صادق علیه السلام، ۱۴۰۰ق، ص ۱۸).

براساس اندرز حکیمانه معروف «رطب خورده منع رطب کی کند» تأثیر امر به معروف یا نهی از منکر، به طور طبیعی از کسی که خود التزامی به آن ندارد نامتوقع است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در یکی از خطبه‌ها به همین نکته اشاره می‌نماید و می‌فرماید: از منکر نهی کنید و خودتان را هم از آن بازدارید، چه آن که شما به این فریضه آن گاه مأمور شده‌اید که از قبل خود را از آن بازداشته باشید (امام علی علیه السلام، ۱۳۹۵ق، خ ۱۰۵).

تذکر چند نکته لازم: آنچه در موفقیت و نتیجه دادن این دو فریضه، در همه

این موارد مهم است و باید ذهن عاملان نسبت به آنها روشن شود، الثفات به چند نکته است:

۱. تفقه نسبت به مصداق معروف، منکر و درجه آن دو می باشد.
۲. کسب شناخت نسبت به تفاوت های روانی و شخصیتی افراد.
۳. حصول معرفت نسبت به کم و کیف این دو فریضه؛ بدین معنا که از چه نوع، چه قدر، و در کجا باید اعمال شوند و آن جا که شرط آن احتمال تأثیر است کجاست؟
۴. و در نهایت، اعمال دقیق روش نردبانی مراتب عمل؛ به خصوص اتخاذ موضع نرم همراه با آموزش در مورد زنان، کودکان و نوجوانان، چنان که در کلام و فقه اسلامی قبح عقاب بلایان مسلم دانسته شده است و می بینیم که خداوند به حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام دستور می دهد که با فرعون، سخن به شیوه نرم بگویند تا اثرپذیر باشد و او پروا کند (طه/۴۴). بر این اساس می بینیم یکی از بزرگان در ضمن بیاناتی راجع به عفاف و حجاب، به موضوع امر به معروف و نهی از منکر پرداخته، مؤمنین را به تذکر نرم، همراه با آموزش نسبت به رعایت حجاب توصیه می نماید که: «نباید با فشار و اجبار از آنها چیزی خواست، بلکه باید از راه آموزش وارد شد تا شاهد رشد و تعالی آنها باشیم» (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۲).

بخش دوم: معروف و منکر در عرصه های نوظهور

پس از دقت نظر در موارد یاد شده، موقعیت حال و وضعیت موجود فرد و جامعه ای را که در آن هستیم مورد مطالعه قرار می دهیم تا مصداق های عینی معروف و منکر و ریشه آنها را دریابیم.

بدون شک، از جمله نیازهای جامعه رو به رشد ما در حال حاضر، توسعه فن آوری اطلاعات و ارتباطات است.^۵ ناگفته پیداست که تأمین نیاز در این رابطه

به منظور نیل به اهداف از پیش تعیین شده، مستلزم سیاست گذاری مناسب و بسترسازی بهینه (امور سخت افزاری) در جهت کارآمد ساختن نیروهای بالقوه، و در مدار قرار دادن نیروهای بالفعل است.

در این میان، آنچه به طور ضروری، نیل به نتایج کاربردی فضای مجازی و حرکت رو به رشد آن را در مسیر توسعه تضمین می بخشد، اهتمام و سرمایه گذاری در زمینه برخورداری از قدرت و به دست آوردن توان اجرایی کافی از این امکان بالقوه مادی و فرهنگی است.

ضرورت رویکرد به این فن آوری ها در آن جا رخ می نماید که به این نکته التفات نماییم که معروف و منکرها براساس تغییر زمان و شرایط آن تغییر می کنند و این به معنای آن است که راهها و شیوه های برخورد با آنها هم باید تغییر یابند. از باب نمونه به تغییری که در صنعت عکاسی حاصل شده است، توجه می کنیم، می بینیم روزی که عرصه تکنولوژی در اختیار صنعت مکانیک بود بهترین دوربین عکاسی برای حرفه ای ها یک دوربین ایوای مانوئل؛ و برای آماتورها دوربین کانون تی پنجاه بود، اما امروز در عصر اطلاعات که این عرصه در اختیار صنعت هوشمند الکترونیک در آمده است، بهترین دوربین عکاسی سایرشات با قابلیت بالای هفده مگا پیکسل است، زیرا دوربین امروز باید بتواند با فرآورده الکترونیکی به نام رایانه تعامل داشته باشد.

التفات به این امر به ما هشدار می دهد که «شرط استمرار موفقیت در عرصه IT و ICT و نتیجه بخش بودن فعالیت های مربوط به آن، در پذیرش و ترویج فرهنگ نهفته در آن است [که یکی از طرق انتشار این فرهنگ، در اختیار نهادن امکانات سخت افزاری و نرم افزاری کمکی، و ارائه رایگان و یا با هزینه های بسیار پائین آنهاست].

به طور کلی فرهنگ ویژه فن آوری جدید، به دو بخش تقسیم می شود: بخش اول، مربوط به کاربران، و بخش دوم ارتباط دارد به مدیران و ارائه دهندگان

خدمات سایبری و نیز تأمین کنندگان خوراک اطلاعاتی.^۷ مسأله مهم در این زمینه این است که اگر در جامعه، فن آوری گسترش یابد ولی عموم مردم با فرهنگ استفاده بهینه از آن آشنا نباشند، علاوه بر این که در هیچ عرصه‌ای شاهد پیشرفت و شکوفایی نخواهیم بود، زمینه‌های انحراف و ارتکاب منکر، به علت ابهامات موجود فراوان خواهد بود.^۸ چه آن که در عصر حاکمیت اعداد صفر و یک (دیجیتال: digital)، و به عبارتی، در فضای سایبر و آی سی تی، شکل منکر و معروف‌ها متناسب با استعداد آفرینش‌های این نوع تکنولوژی درآمده است.

حاکمیت سایبر

نرم‌افزارهای گرافیکی و فلش بر بال وب، می‌توانند به زودی تمام جهان را درنوردند. کرم‌ها، ویروس‌ها، هکرها و خزندگان رایانه‌ای می‌توانند همه چیز را بر هم زنند و در مقابل، نرم‌افزارهای امنیتی و محافظ و ترمیم کننده می‌توانند از ورود یا ایراد ضایعه آنها جلوگیری کنند. در این فضا آن منکر است و این معروف. ما می‌توانیم با توسل به قدرت نرم‌افزارهای رایانه‌ای، حاکمیت فضای سایبر^۹ را به دست آوریم و از گسترش و سرایت منکرهای سیاسی، علمی، فرهنگی و اخلاقی به افراد و جامعه جلوگیری نمائیم. البته این فقط راهی ضربتی و اورژانسی است تا منکرها به کنترل درآیند و گرنه کار اصلی این است که با کمک گرفتن از قدرت خلاقه این فرشته‌های الکترونیکی، فضا را چنان زیبا و معطر و جذاب نماییم که عرصه بر منکرهایی از آن دست، خود به خود تنگ شده، ناچار به ترک این فضا گردند.

با این حال، روشن است که امروزه بر خلاف سابق، آنچه ارزش تلقی می‌شود و وراثت سلطه را به انسان ارمغان می‌دهد، همانا دانش کارآمد و سلطه آگاهی فنی - به خصوص در عرصه فن آوری نوین - است. از این روی باید همواره متذکر این اصل باشیم که سنت لایتغیر الهی بر آن قرار گرفته است تا عالمان،

صالحان، خالصان، سخت کوشان و مؤمنان در مقام برتری قرار گیرند، و این سنت ثابتی است که در کلیت خود بر همه انسان‌ها یکسان حکومت می‌کند. بر این اساس، ما زمانی می‌توانیم دامنه فعالیت خود را در زمینه معروف و منکرها در فضای سایبر و آی سی تی بگسترانیم که حاکمیت آن را به دست آورده باشیم.

منکرات سایبری

فضای مجازی در واقع نسخه بدل فضای واقعی است که در آن به طور طبیعی زندگی می‌کنیم. یا به عبارت واقع بینانه‌تر، دوره پیشرفته‌تری از فیزیک است که بعد از فیزیک کوانتوم پا به عرصه وجود نهاده و همه چیز را به تسخیر خود در آورده است. با این تعبیر می‌توان معروف و منکرهای آن را نیز بازشناسی کرد. شاید نخستین هشدار که در رابطه با اینترنت و فضای مجازی متبادر به ذهن گردد، جنگ نرم دشمن در شیخون فرهنگی برای ضایع نمودن تفکر انقلابی - اسلامی نسل نو باشد.^{۱۰}

البته این تفکر صحیحی است و همواره ما با این تهدید روبرو هستیم. اما جدای از این آسیب‌ها منطقه‌های ممنوعه‌ای در فضای مجازی وجود دارد که داخل در جرایم رایانه‌ای بین‌المللی نیز هستند، همچون:

الف - هک کردن یا مهندسی اجتماعی

برای این که مفهوم معروف و منکر در این زمینه روشن تر درک شود، ناچار به توضیح مختصری درباره عنوان فوق هستیم.

هک به معنای نفوذ به سیستم یا سرور یا رایانه و یا یک نرم‌افزار و برنامه است. در تعریف مهندسی اجتماعی نیز آورده‌اند که آن «مهارتی است که به وسیله شخصی مجهول، برای به دست آوردن اعتماد افراد درون سازمان و تشویق آنها برای ایجاد تغییرات دلخواه در سیستم‌های IT و در جهت دستیابی به حق

دسترسی، استفاده می‌شود» و در نسخه انگلیسی زبان سایت ویکی‌پدیا، مهندسی اجتماعی به این صورت تعریف شده است: «مهندسی اجتماعی، تکنیک به دست آوردن اطلاعات محرمانه به وسیله تحریک کاربران مجاز است».^{۱۱}

تفسیر بهتر و روشن‌تری از این عبارت، هک کردن در فضای مجازی است. یکی از متخصصان این فن، در تعریف روشنی از این عنوان می‌گوید: «مهندسی اجتماعی شبیه به کلاه‌برداری از راه جلب اعتماد یا تقلب ساده است و به حيله‌گری یا فریب به منظور جمع‌آوری اطلاعات، تقلب یا دسترسی به سیستم کامپیوتری اطلاق می‌شود» که عبارت آخری همان هک است (ر.ک: هدنگی، کریستوفر، ۱۳۹۳، ص ۲۰).

عاملان هک «هکرها» به دو منظور این کار را انجام می‌دهند: دفاع و حراست از امنیت، حمله به منافع و اضرار به غیر.

در اصطلاح جامعه مجازی به گروه اول، هک‌های کلاه سفید «سامورایی» یا هک‌های واقعی گفته می‌شود. هک‌های کلاه سفید، متخصصان کامپیوتر و آشنا به فن‌آوری اطلاعات می‌باشند و هدفشان از نفوذ به سیستم‌های کامپیوتری، کشف حفره‌های امنیتی در سیستم و بر طرف نمودن آنهاست، نه سوء استفاده. ولی به هر حال، کلاه سفیدها نیز برای این منظور باید همانند هک‌های کلاه سیاه عمل کنند تا بتوانند ضعف‌های سیستم را کشف و جبران کنند.

گروه دوم هک‌های کلاه سیاه «واکر» نامیده می‌شوند که از نظر کاری درست به عکس کلاه سفیدها عمل می‌نمایند. به این معنی که هدف آنها نفوذ به سیستم و سوء استفاده از اطلاعات می‌باشد. این گروه از هکرها بیشترین صدمات را به هدف، در فضای مجازی وارد می‌نمایند؛ تا جایی که می‌توانند در سیستم بانک‌ها، پروازها، برنامه حمل و نقل زمینی و دریایی و... ایجاد اختلال نمایند و یا برق منطقه را از مدار خارج کنند و یا اطلاعات حساس مراکز نظامی، امنیتی، سیاسی و اقتصادی و غیره را سرقت نمایند.

توجه به این نکته نیز لازم است که گاهی هدف هکرهای سیاه، دزدی یا ضربه زدن به خود سیستم و یا انتقام‌گیری از کاربر نیست، بلکه انجام هک به عنوان پل و واسطه عبور برای نفوذ به هدف دیگری است^{۱۲}، و مهم‌ترین نوع آسیب نرم‌افزاری که این گروه وارد می‌کنند زمانی است که سازمان یافته و زیر فرمان یک قدرت سیاسی به مؤسسات و سازمان‌ها و مراکز حساس سیاسی - نظامی - امنیتی نفوذ کنند. به طور معمول چنین افرادی تحت پوشش ارتش سایبری عمل می‌کنند.^{۱۳}

تذکر لازم

اگر چه قدرت و امکان مقابله با توطئه دشمن در ساحت سایبری و فضای مجازی در کشور ما بسیار خوب است و جزو کشورهای ردیف اول در این زمینه قلمداد می‌شود، لیکن هوشیاری و آگاهی یکایک افراد به خصوص اعضای دستگاه‌های وابسته به حکومت در این رابطه اهمیت ویژه دارد. چه آن که ممکن است هکری از طریق ایمیل عضو دون رتبه یک شرکت، مؤسسه یا سازمان به آن نفوذ نماید. بنابر این می‌طلبد که اقدام به آموزش‌های لازم در جهت آشنایی اعضای ارگان‌ها و عموم شهروندان کشور با ترفندهای آشوب‌گران فضای مجازی از سوی مسئولین امر در شورای عالی انفورماتیک یا شورای عالی فضای مجازی به عمل آید.^{۱۴}

ب - تولید و انتشار فاکتورهای آسیب

منکرات در این حوزه، فعالیت در جهت تولید نرم‌افزارهایی همچون ویروس، کرم رایانه‌ای، تروجان، بدافزار، جاسوس افزار و امثال این‌ها می‌باشد که بنا به تفاوت اهداف برنامه نویسان، متفاوت است، و اغلب به منظور جلب منافع اقتصادی انجام می‌گیرد.

فعالیت‌هایی از این دست علاوه بر آن که از نظر حقوق و قضای بین‌الملل

تجاوز محسوب می‌شود و قابل پی‌گیری قضایی است، در شرع مقدس اسلام نیز زیر عنوان ضرر به غیر و ایجاد عسر و حرج برای مسلمین و جامعه اسلامی تحت قاعده لاضرر و قاعده حرج محکوم است و علاوه بر تحمل مجازات مندرج در قانون جرایم رایانه‌ای، عامل آن نسبت به خسارات وارده ضامن است.

خط قرمزها در فضای مجازی

خطر آلودگی ذهن کودک و نوجوان و انحراف اخلاقی آنان در آینده و در پی آن، گسترده شدن ناهنجاری و بزه اجتماعی، اندیشوران و دولتمردان اغلب کشورها را بر آن داشته است تا در جهت پیش‌گیری از آن اقداماتی به عمل آورند.

بر اساس تحقیقات همه کشورهای به طور متفق القول بر عدم دسترسی کودکان به سایت‌های غیر اخلاقی تأکید داشته و به شیوه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مختلفی برای پیش‌گیری از دسترسی کودکان به این تارنماها متوسل می‌شوند.^{۱۵} البته به جز استفاده از فیلترینگ، خط قرمزهای قانونی در این رابطه، برای کشورهای غیر اسلامی شاید وجود نداشته باشد یا بسیار محدود و کم‌رنگ باشد، لیکن در سرزمین‌هایی همچون ایران که وارث دین و فرهنگ اسلامی هستند، وجود خط قرمز لازم و ضروری است، زیرا نبود آن به فساد اخلاق و عقیده نسل نو منتهی می‌شود.

بخش پایانی: ضرورت وجود دستگاه نظارت اجرایی

وقتی سخن از سازمان به میان می‌آید آنچه بلافاصله در ذهن نقش می‌بندد، دستگاه دولتی یا وابسته به آن است، در حالی که چنین حصری در دانش مدیریت وجود ندارد. سازمان با همان تعریفی که از آن شد، می‌تواند دولتی، تعاونی و خصوصی باشد.

نکته‌ای که یاد کرد آن در این جا مهم می‌نماید، این است که دستگاه امر به

معروف و نهی از منکر به دلیل اتکا بر مبانی و اهداف دینی، یک دستگاه اجرایی در بعد معنوی است، و به تابع متعلق خود یعنی دین، نمی‌تواند و نباید دولتی و حتی وابسته به دولت باشد؛ نه از آن جهت که در دولت اشکالی از این نظر وجود دارد، که بیشتر از جهت تأثیر ناخودآگاه روان‌شناختی آن است.

دلیل علمی این نظر آن است که دولت همواره قائم به قدرت و حکومت است، یعنی تصمیمات آن در شبکه قدرت اجرایی مربوط به آن قرار می‌گیرد و به زمینه اجرا یعنی مردم منتقل می‌شود، و این امر به وضوح گویای نوعی قطعیت خواهی و الزام در حیطه عمل می‌باشد، و در مرحله نخست با نوعی مقاومت روانی اشخاص مواجه می‌گردد، زیرا انسان بالطبع، دارای حس لجاجت است مگر آن که نوع برخورد با وی به طور کامل مشفقانه باشد و بتواند نفس رمنده او را رام نماید تا آن خواسته را با رغبت و میل خویش انجام دهد یا ترک نماید. حال اگر دستگاه عمل‌کننده ملی و قائم به اراده مستقیم مردم و متکی بر قدرت حاصله از خودشان باشد، چنین حالتی به راحتی میسر می‌شود، زیرا مردم آن دستگاه را از خود تلقی می‌نمایند و نسبت به احکام یا به عبارتی خواسته‌های آن، عکس‌العمل نشان نمی‌دهند (البته نوع برخورد باید مشفقانه و به طور کامل دوستانه باشد)، به خلاف شرایطی که آن را دولتی و خود را ملزم احساس نمایند. آری اگر میزان ارادت به دولت، از نوع نسبت فرزندان به والدین، و یا دوستان نسبت به یکدیگر باشد و چنین واقعیتی در همه سطوح عمومیت یافته باشد، مشکل یاد شده را نخواهد داشت.

پیشنهاد نگارنده در این خصوص، این است که دستگاه متکفل امر به معروف و نهی از منکر، تحت عنوان «سازمان نظارت همگانی» وابسته به شورای شهر و زیر نظر امام جمعه یا هر روحانی وجیه‌المله‌ای باید قرار داشته باشد، لیکن ضابطان قضایی در ارتباط با تضمین اهداف اجرایی آن، به حکم قانون مکلف به همکاری باشند.

پر واضح است که کار چنین دستگاهی ماهیت قضایی ندارد، هر چند در صورت نیاز، بر طبق صلاحدید خبرگان آن، ممکن است اشخاصی برحسب مورد، به دستگاه قضایی معرفی گردند.

توضیح: نظارت توأم با ارزشیابی، با ترتیب اثر تنبیهی و تشویقی، به تحقق اهداف جزئی سازمان کمک می‌کند. با تعمیم انضباط سازمانی در تمامی سطوح مدیریتی، عوامل خنثی‌کننده اثر - همچون الگوهای ضد نظارتی و رفتارهای خلاف هدفی که از خود مدیران سر می‌زند - وجود ندارد، زیرا رهبران اسوه کامل اهداف سازمان و آئینه تمام‌نمای انضباط و مقررات سازمان خود می‌باشند. نیروها در سازمان به صورت تخصصی به کار گمارده می‌شوند (به ویژه عناصر کنترلی سازمان). نیروهای عامل یا به عبارتی مباشران امر به معروف و نهی از منکر، ابتدا خودشان باید توجه شده باشند و این ویژگی سبب می‌شود تا کیفیت کار بالا برود. نیروهای کنترلی نیز با مهارت و خلوص نیتی که در آنان محرز شده است می‌توانند در رفع ایرادها به آنها کمک کنند.

نتیجه و چکیده بحث

نگارنده معتقد است موضوعات و مسائل به همان اندازه که از اهمیت برخوردارند، دارای پیچیدگی، در دلیل وسعت مفهومی نیز می‌باشند و موضوع امر به معروف و نهی از منکر از همین سری مقوله‌هاست که ورود در حیطه آن، به منظور اقدام در جهت عملیاتی ساختن آن، به مطالعه دامنهداری نیازمند است تا دامنه معنارسانی، حدود و اندازه‌ها، مصداق‌ها، و تمامی مسائل مربوط به آن شناسایی گردند. چه آن که ممکن است بدون وقوف کارشناسانه در این حیطه، میزان تخریب مباشران و عاملان بیش از اندازه سود و نتایج مفیدی باشد که از آن متوقع است.

موضوع دیگری که از نظر نویسنده نیاز به یادآوری آگاهی به مسائل زمان و

شکل نمودیابی پدیده هاست. چه به اصل تحول و دگردیسی اعتقاد داشته باشیم یا نه، ما در عمل خود را در گردونه تازه‌ای می‌یابیم که غالب عناصر اجتماعی، به گونه‌ی به طور کامل متغییری نمود یافته‌اند و بالطبع شیوه و گونه‌ی برخورد متناسب خود را می‌طلبند، که پدیده‌ی صنعت هوشمند و عنصر رایانه و مسائل خاص آن، از این قبیل هستند. شک نیست که با تحول موجود و پیشرفت‌هایی که به وجود آمده است، گونه و شکل کنش‌های انسانی نیز متفاوت خواهد بود و معروف و منکرها در چنین بوته‌ای، متناسب با آن ظهور خواهند یافت. همچنین نوع و شیوه‌ی برخورد با آنها نیز از سنخ خودشان خواهد گشت و به آگاهی‌های جدیدی نیاز خواهد بود.

آخرین سخن نیز که همه جا و به خصوص در این مورد، نیاز به توجه می‌یابد، روی آوردن به کار سازمان یافته و مجهز به نظام و سیستم است، مشروط به آن که سازمان و سیستم آموزش داده شود و به راستی خود را ملزم به کار سیستمی بنماییم. به عبارت دیگر، سیستم حکومت نماید نه افراد و سلیقه‌ها. نکته‌ی لازم به یادآوری این است که مراد از سازمان در این مقوله، دستگاهی به طور کامل ملی و مردمی با نظارت یک مقام حوزوی بلند مرتبه و وجیه‌المله است نه سازمان دولتی.

پی‌نوشت‌ها

۱. علی بن ابراهیم بن هاشم قمی (۱۴۰۴ق)، *تفسیر القمی*، ج ۱، ص ۱۹۵: و قوله وَ هُمْ يَهْتَوُونَ عَنْهُ وَيَتَأَوْنَ عَنْهُ قَالَ: بنو هاشم كانوا ينصرون رسول الله ﷺ و يمتنعون قریشا عنه و يتأوون عَنْهُ أَي يباعدون عنه و يساعدونه و لا يؤمنون.
۲. مجلسی (۱۴۰۴ق)، *بحار الأنوار*، ج ۱۶، ص ۱۹۹، باب ۹: وَ أُمْرٌ بِالْعُرْفِ يَعْنِي بِالْمَعْرُوفِ وَ هُوَ كُلُّ مَا حَسَنَ فِي الْعَقْلِ أَوْ الشَّرْعِ.
۳. شیخ صدوق (۱۴۱۳ق)، *فقیه من لا یحضره الفقیه*، ج ۴، ص ۳۰۵، باب میراث الموالی: إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا يَعْنِي الْوَصِيَّةَ لَهُمْ بِشَيْءٍ أَوْ هِبَةَ الْوَرَثَةِ لَهُمْ مِنَ الْمِيرَاثِ شَيْئًا؛ وَ در ضرب المثل عربی آمده است: المعروف بقدر المعرفة، یعنی عطا به قدر معرفت است.
۴. مجلسی (۱۴۰۴ق)، *بحار الأنوار*، ج ۷، ص ۷۸: يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَىٰ شَيْءٍ نَكْرًا، أَي منكر غير

معتاد و لا معروف بل امر فطیعی لم یروا مثله فینکرونه استعظاما.

5. Information Communication Technology
6. Information Age

۹۲

۷. IIP ارائه دهندگان و تأمین کنندگان خوراک اطلاعاتی؛ ارائه دهندگان خدمات اینترنتی
ISP.

۸. سرعت پائین، هزینه‌های بالا، امنیت متزلزل در برابر نفوذگرها (هکرها) و ویروس‌ها، پائین بودن ضریب کیفیت، بد ارائه دادن اطلاعات، بی توجهی به نیازها و سلیقه‌های کاربران، دیر و بد پاسخ دادن، در نظر نگرفتن شخصیت و عقاید مخاطبان، نامتناسب بودن برخوردها نسبت به سن و جنسیت و بسیاری از موارد مشابه دیگر همگی باعث می‌شوند تا شیرینی حضور در این عرصه به تلخی، واپس زدگی و ناامیدی مبدل شود. ر.ک: مجید کافی امامی (۱۳۸۳)، «فن آوری در خدمت تولید دانش دینی»، ره آورد نور، س ۴، ش ۸. پاییز، ص ۱۱.

۹. cyberspace شبکه پنهانی باند دیجیتالی جهانی، یعنی سخت‌افزار فضای سایبر.

۱۰. راجع به غارت اطلاعات توسط موتورهای جستجوی اینترنت و در اختیار نهادن آنها به حکومت آمریکا براساس اعتراف مدیر عامل گوگل، ر.ک: نجارزاده، محمد رضا؛ ضرامی، مهدی؛ فرقانی، محمد مهدی (۱۳۹۱)، «استعمار اطلاعاتی در فضای مجازی؛ مطالعه موردی: گوگل»، مطالعات قدرت نرم، علمی - پژوهشی، س ۲، ش ۶، صص ۱۸۳-۲۰۵.

۱۱. بجنوردی (۱۳۹۳)، «کتاب هنر هک انسان»، سایت ویکی پلاس: <http://wikiplus.ir>.

۱۲. ر.ک: هدنگی، ۱۳۹۳، فصل دوم: هم اکنون نفوذگران می‌دانند که فریب دادن کارمندان داخلی یک سازمان، بسیار آسان‌تر از مواجه شدن با سیستم‌های حفاظتی تکنیکی و پیچیده آن سازمان است. اکثر ما در مواجهه با مشکلات بالقوه، اغفال شده‌ایم و اعتقاد داریم که قفل‌های قوی، درهای ضخیم، سیستم‌های با امنیت بالا و یک سگ نگهبان برای در امان ماندن اکثر مردم کافی هستند.

۱۳. برای اطلاع از نوع و میزان قدرت هکرها رجوع کنید به:

<http://www.persianpersia.com/tech/tdetails.php?articleid=11660&parentid=49&catid=110>

۱۴. محمد سرافراز، عضو شورای عالی فضای مجازی: «مهم‌ترین هدف از تشکیل شورای عالی فضای مجازی این است که چطور می‌توانیم در این حوزه مستقل باشیم و اطلاعات کشور و دولت را در اختیار بیگانگان قرار ندهیم که بتوانند از این اطلاعات استفاده و بهره‌برداری کنند» (سایت ایتنا، چهارشنبه ۱۷ مهر ۱۳۹۲).

<http://tnews.ir/news/82BE18043109.html>

۱۵. برای اطلاع از گستره موضوع و عمومیت فیلترینگ تولیدات و سایت‌های غیر اخلاقی دنیا مراجعه کنید به سایت اپلیکشن ایرانی:

<http://www.irapp.ir/shownews.php?id=1982>

منابع و مأخذ

• قرآن مجید

۱. ابن ابی جمهور احسائی (۱۴۰۵ق)، *عوالی اللآلی*، ۴ جلد، قم، انتشارات سیدالشهداء علیه السلام.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ق)، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳. امام صادق علیه السلام (۱۴۰۰ق)، *مصباح الشریعه*، تهران، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۴. فراهیدی، خلیل بن احمد بصری (بی تا)، *کتاب العین*، ۸ جلد، بی جا.
۵. راوندی، قطب الدین (۱۴۰۵ق)، *فقه القرآن*، ۲ جلد، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی قم.
۶. امام علی بن ابی طالب علیه السلام (۱۳۹۵ق) *نهج البلاغه*، از روی نسخه صبحی صالح، افسست ایران، قم، انتشارات هجره.
۷. بجنوردی، حمزه (۱۳۹۳)، «کتاب هنر هک انسان»، سایت ویکی پلاس <http://wikiplus.ir>
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲)، *بیانات، اینترنت، سایت حیا*: http://hayauni.ir/top_messages/1392/07/18/index.html?id=854
۹. ریچارد، کی، مور (۱۳۸۳)، «دموکراسی و فضای سایبر»، ترجمه عبدالرضا زکوت روشندل، رسانه، س ۱۵، ش ۵۹ پیاپی، پائیز، ص ۱۰۱.
۱۰. شیخ صدوق (۱۴۱۳ق)، *فقیه من لا یحضره الفقیه*، ج ۴، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۱۱. صرامی، محمد رضا؛ فرقانی، مهدی؛ مهدی، محمد (۱۳۹۱)، «استعمار اطلاعاتی در فضای مجازی؛ مطالعه موردی: گوگل»، *مطالعات قدرت نرم، علمی - پژوهشی*، سال دوم، شماره ۶.
۱۲. طریحی، فخرالدین (۱۳۶۷)، *مجمع البحرین*، تهران، دفتر فرهنگ نشر اسلامی، ج ۵، چاپ دوم.
۱۳. قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم (۱۴۰۴ق)، *تفسیر القمی*، ج ۱، قم، مؤسسه دارالکتاب.
۱۴. کافی امامی، مجید (۱۳۸۳)، «فن آوری در خدمت تولید دانش دینی»، *ره آورد نور*، س ۴، ش ۸، پائیز.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، *الکافی*، ۸ جلد، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۱۶. کوهن، بروس (۱۳۸۰)، *مبانی جامعه شناسی*، ترجمه و اقتباس: دکتر غلام عباس توسلی و رضا فاضل، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۱۷. لاریجانی، محمد جواد (۱۳۷۸)، «جایگاه انتقاد در نظام حکومتی اسلام»، *نشریه اندیشه حوزه*، شماره ۱۸.
۱۸. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الانوار الجامع لدرر اخبار الائمه الاطهار*، ج ۱۶، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۱۹. واحد فرهنگی (۱۳۶۱)، *او به تنهایی یک ملت بود*، تهران، بنیاد شهید انقلاب اسلامی.
۲۰. هدنگی، کریستوفر (۱۳۹۳)، *مهندسی اجتماعی - هنر حک کردن انسان*، مترجمان: یداله پدرام؛ حسین ملک زاده؛ فریبا صنیعی، مشهد، نشر مرنندیز.